



بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

در فرع سوم این مبحث مطرح شد که مرکزیت و موضوع اصلی حرمت در باب قمار چیست؟ وجوهی را ذکر کردیم احتمالاتی که بود و نتیجه‌ای که گرفتیم این بود که موضوع حرمت در باب قمار همان لعب است که در آن رهان است و بر اساس یک عقد و التزامی، آن رهان وجود دارد این موضوع حرمت است. بنابراین حرمت لعبی که در باب قمار هست به دو چیز وابسته است یکی این که معاوضه‌ای در کار است وجهی و رهانی هست و آن هم بر اساس یک عقد و التزامی است این امر محرمی است و عقد جزء حرمت نیست، ولی شرط حرمت است. این نتیجه‌ای بود که گرفتیم

نکات ذیل فرع سوم

بر این اساس، در ذیل همین فرع چند مطلب را باید ملاحظه کنیم:

- یک مطلب این که همان طور که اشاره شد عقد جزء نیست، شرط است.

- مطلب دیگر این است که عقد در اینجا اعم است.

همین طور که در بحث دیگری عرض کردیم اینجا هم همان نکته را می‌آوریم که در مفهوم قمار عقد اعم از بیع یا صلح یا هبه مشروطه است آنچه بر آن تأکید می‌کنیم این است که معاهده‌ای و التزامی بر آن وجه و ما یقامر به وجود دارد اما این که چگونه این التزام وجود دارد این دیگر قیدی ندارد؛ ممکن است این التزام به شکل عقد یا بیع باشد ممکن است به شکل مصالحه باشد شکل در اینجا مهم نیست مهم این است که یک تعهد طرفینی در اینجا وجود دارد بر اینکه هر کس برد، این مبلغ را از دیگری بگیرد. این تعهد طرفینی است و از این جهت قید به بیع یا عقد خاصی در اینجا نیست. حتی ممکن است کسی بگوید خود این یک قید مستقل است و داخل در هیچ یک از عناوین نمی‌شود هر چه باشد اینجا مهم نیست که این معاهده و التزام طرفینی چه شکلی باشد التزام طرفینی اگر بود این تمام است.



این هم یک مطلب که دیگر در این جهت فرقی نمی‌کند و هبه هم باشد همین است منتهی هبه مشروطه و معوضه و این‌ها، والا هبه بدون تعهد طرفینی و همین‌طور یک اقدام یک‌طرفه مانعی ندارد. همان‌طور که در بحث‌های دیگر هم می‌گفتیم اینجا هم مانعی ندارد این هم یک مطلب دیگر در ذیل این بحث بود.

- یک مطلب دیگر هم در ضمن کلام عرض کردیم که این معاهده و التزام جانبینی و طرفینی لازم نیست که با عقد لفظی یا با صیغه و لفظ انشا شود می‌تواند با لفظ انشا شود، می‌تواند مکتوب باشد، یا می‌تواند معاطات باشد فرقی نمی‌کند ظاهر آن، این است که در مفهوم قمار همان التزام طرفینی به‌ای نحو کان و به‌ای مبرز کان برای صدق قمار کافی است.

- نکته سابق و مطلب بعید هم این است که این التزام طرفینی است. اگر از یک طرف این التزام باشد پیش خودش ملتزم به این شده که اگر باخت، یک چیزی به دیگری بدهد این قمار نمی‌شود باید طرفینی باشد. فرزند هم مالک است همین‌که می‌تواند مالک باشد همین کفایت می‌کند ولو اینکه مال فرزند در اختیار او باشد ولایت دارد می‌تواند تصرف کند مگر این‌که نتواند که طرف عقد قرار بگیرد آن‌هم خودش می‌تواند به‌جای او طرف عقد قرار بگیرد باز هم قمار صادق است و عنوان ظاهراً صدق می‌کند.

جمع‌بندی نکات

این چند تا نکته ذیل فرع سوم بود که مرکزیت و محوریت حرمت و لوازم و تبعات آن روشن شد مطلب دیگر هم در اینجا این است که عقد ولو اینکه خود آن بما هو هو حرام نبود و فقط شرطیت در قمار داشت نه جزئیت، اما از باب اعانه بنا بر اینکه اعانه بر اثم را حرام بدانیم، گفتیم که از باب معنای ثانوی اعانه مشمول حرمت می‌شود این فرع سوم بود.

فرع چهارم: قمار عنوان قصدی است یا نه؟

فرع چهارم در ذیل مباحث قمار این است که قمار با این اوصافی که گفته شد عنوان قصدی است یا عنوان قصدی نیست؟



انواع عناوین

۱- عناوینی داریم که قصدی نیست که بسیاری از عناوین همین‌طور است، ضرب، اکل، قیام و عقود و این‌ها همه

عناوین غیر قصدیه هست صدق این مفهوم به قصد متقوم نیست بسیاری از عناوین غیر قصدی است؛

۲- در قبال این‌ها نوع دومی از عناوین داریم که قوام آن‌ها به قصد است مثل عناوینی که در معاملات و انشائیات

می‌آید، بیع و اجاره و امثال این‌ها عناوین قصدیه است اگر کسی قاصد نباشد صدق نمی‌کند اگر کسی در

خواب در گوش دیگری زد می‌گوییم ضرب ولو اینکه خواب بود و اصلاً توجهی نداشت با پای کسی خورد به

چیزی شکست می‌گویند لیوان را شکست، اما اگر کسی در خواب گفت بعت مالی، کسی نمی‌گوید بیع کرد

فروخت. این کلمه که بر زبان او جاری شد، قصدی نیست این واقع شد؛ اما بیع به معنای مبادله مال به مال،

می‌گویند محقق نشد یا تعظیم، مثلاً اگر کسی در خواب و بدون توجه جلوی دیگری دست به سینه گرفت،

نمی‌گویند تعظیم کرد این نیاز به قصد دارد.

پس عناوین منقسم می‌شود به عناوین غیر قصدیه که ما هو الغالب فی الفاظ و المفاهیم و دوم عناوین قصدیه که مصداق

بارز آن در همین عقود و ایقاعات و این‌ها و بخشی از عبادات و امثال این‌هاست که در آن‌ها قصد مقوم صدق عنوان و

موضوع است.

طرح فرع چهارم

مطلبی که در این فرع مطرح می‌شود این هست که قمار قصدی است یا قصدی نیست؟ ابتدائاً ممکن است کسی بگوید

قصدی نیست برای اینکه محور اصلی آن همان لعب است اگر کسی در خواب یا با غفلت کامل در خواب شطرنج را

بازی کرد بالاخره این بازی محقق شده است و ممکن است ابتدائاً به ذهن کسی بیاید که عنوان قصدی نیست.

اما اگر دقت کنیم ممکن است بگوییم از دو سه جهت این عنوان قصدی است:

یکی این‌که در تعریف قمار -همان‌طور که در بحث سابق و قبلی ملاحظه کردید- عقد و التزام به عنوان شرط مفهوم

مأخوذ بود یعنی «لعب الرهان» و مقصود از رهان هم رهان ملتزم و مورد توافق و تعهد جانبین بود؛ و عقد و التزام هم که



از امور قصدیه است، بدون این که التزام و تعهد جانبین در کار باشد صدق رهان بر لعب تمام نیست. وقتی بر لعب با این ابزار و آلات عنوان قمار صادق است که در آن التزام معاهده باشد این صغرای استدلال است؛ کبری هم این است که معاهده و التزام هم بدون تردید عنوان قصدی است و معاهدات و التزام عقود و این ها عناوین قصدیه است؛

نتیجه این دو مقدمه این است قمار هم عنوان قصدی می شود چون قوام مفهوم قمار به این است که معاهده و التزام در آن باشد و بدون معاهده و التزام چیزی نیست و لذا قمار به شکل غیر قصدی نمی تواند محقق شود، حتماً عنوان قصدی است، مثل اكل و ضرب و شرب و قیام و قعود نیست بلکه مثل بیع و ازدواج و طلاق و انشاءات و امثال این هاست که متقوم به قصد است.

برای اینکه ولو جنس این تعریف لعب این طوری نیست؛ اما قیدی در آن مأخوذ است که از باب ایقاع عقود هست و عنوان قصدی می شود، چون نتیجه تابع اخص مقدمات است. یک جزء و قید هم که التزام در آن بود و قصدی بود نتیجه این است که کل هم عنوان قصدی می شود و لذا بدون این که قصد نسبت به آن التزام باشد این نمی شود این اولاً که نکته درست و تمامی است؛

علاوه بر این ممکن است وجه دومی هم گفته شود و آن خود لعب است ممکن است بگوییم خود لعب عنوان قصدی است برای اینکه دو احتمال در عنوان لعب است؛

- یک احتمال این است که لعب قصدی نیست برای اینکه لعب یعنی عملیاتی که در خارج واقع می شود که کاری که با اسباب بازی یا توپ انجام می شود لعب است و قصد در آن مأخوذ نیست؛

- ممکن است احتمال دومی بگوییم که لعب عنوان قصدی است برای اینکه تعریف لعب عملی بود که لا لغرض العقلایی است یعنی غرض غیر جدی در آن هست، آن غرض اگر غرض غیر جدی بود صدق لعب می کند؛ پس به نحوی قصد و غرض در مفهوم این مأخوذ است که اگر این باشد، خود عنوان لعب هم قصدی می شود و کلاً قمار عنوان قصدی می شود.

منتهی این وجه دوم که بگوییم لعب هم عنوان قصدی است قابل مناقشه است برای اینکه تعریفی که می گوییم لا لغرض العقلایی مقصود غرض شخصی که با این بازی می کند نیست، مقصود این است که در نوع و عرف این امر بدون



غرض تلقی می‌شود نه اینکه شخصاً اینجا غرض باشد یا نباشد ملاک لعب است، نه لعب یعنی آن کاری که انجام می‌شود و علی‌الاصول از نظر نوع و غالب عقلا امر جدی و دارای غرض عقلایی به حساب نمی‌آید.

بعید نیست این‌طور باشد اگر این باشد دیگر قوام به قصد موردی نیست که بگوییم این عنوان قصدی می‌شود، بلکه درواقع مقصود این است از نگاه بیرونی، غالب عقلا این را یک امر مفید فایده‌ای بدانند که بشود ارزشی بر آن قائل شد یا این‌طوری تعریف بشود، بعید نیست که این درست باشد.

اگر این درست باشد، وجه دوم دیگر تام نیست آن‌وقت قصدیت قمار در حقیقت به قصدیت شرط آن است نه به قصدیت خود عنوان جنسی مفهوم، بلکه به عنوان وصفی و قیدی آن‌که همان عقد باشد این متقوم به قصد می‌شود. این عنوان قصدی که شد آثار آن در فروعات مختلف ظهور پیدا می‌کند برای اینکه گفتیم این عملی که بدون قصد از دو طرف یا یک طرف انجام می‌شود، قمار بر این صدق می‌کند، منتهی چون توجه ندارد تنجس پیدا نکرده پس تکلیف در اینجا هست. آن‌وقت آثاری بر وجود تکلیف مترتب می‌شود؛ اما اگر گفتیم متقوم به قصد است دو نفر که غافل هستند و بازی می‌کنند و توجهی به این ندارند، تعهد و التزام و این‌ها دیگر مفهوم صادق نیست و حرمتی اینجا وجود ندارد ولو غیر منجز، آن‌هم در مقام تراحم و تعارض و ترجیحات و چیزهای مختلف آثاری دارد که بر این امر مترتب می‌شود. پس قمار متقوم به قصد است به خاطر این‌که شرط آن قصدی است که عقد باشد.

نکته: قصد طرفینی

نکته مهم دیگر در ذیل بحث چهار این است که این قصد هم که می‌گویید قصد طرفینی است، یعنی باید طرفینی قاصد این باشند همان‌طور که عرض کردیم اگر یک طرف توجه دارند ولی دیگری بی‌توجه است، یکی گفت که می‌رویم بازی می‌کنیم - با آلات غیر متعارفه هم بگیریم که بحث شطرنج و اختلاف نظر آنجا نباشد یک بازی دیگری با یک ابزار دیگری که متعارف و معمول نیست - و هر که باخت مثلاً این قدر بدهد او بدون توجه گفت باشد اصلاً توجهی به این تعهد و التزام نداشت، فرق نمی‌کند همین‌که طرفین شد و می‌توانند انشایی کنند مفهوم تحقق پیدا می‌کند، اینجا قمار صدق نمی‌کند چون متقوم به قصد است آن‌هم قصدی که باید طرفینی باشد اگر یکی توجه به این انشا و بیع و معامله و تعهد



دارد اما دیگری از روی غفلت و بی توجه گفت قبول است، اشکالی ندارد و آن عمل مانعی ندارد و البته کسی هم نمی تواند طلبکار باشد چون اصلاً به نحو اساس وجهی برای چیزی ندارد این هم پس متقوم به قصد است.

سؤال: ؟

جواب: در مقام دعوا و اختلاف و این حرف ها امر ثانوی است، جایی است که روی این توافق دارد می گوید فهمیدم که توجه نداشتی این دیگر مانعی ندارد. مگر از باب تجری کسی حرام بداند، همین که اقدام به این امر کرده اشکال دارد ولی وقتی چیزی نباشد مانعی ندارد. اگر اختلاف شود می گویند در اصل در افعال این است که مقصود است، وقتی شک می کنیم ایشان متوجه بوده یا غافل بوده، می گویند این ظهور عقلایی است که اصل بر این است که کارها روی عمد و قصد و توجه انجام می شود، در مقام شک و اختلاف و این ها آن می شود.

سؤال: ولی این توی ذهنش این است که من؟

جواب: عرف که می گوید قمار متقوم به این عنوان نمی شود. چیزی که در ذهن شماست آن، مبنای مشهور یا عده ای است که می گویند، اصل عمل با این ابزار شرط و این ها اشکال دارد ولو بردو باختی نداشت. اگر آن نظر را بگیریم دیگر آنجا قصدی نیست. اگر لعب به شطرنج رهان نباشد که مبنای آقای خویی و آقای تبریزی بود که مشهور هم آن بود و ما نتوانستیم آن را خوب تکمیل و تتمیم کنیم، لعب به این آلات متعارف معمول بها اگر کسی بگوید حرام است، در چارچوب مفهوم قمار نیست یک عنوان دیگری است که آن البته قصدی نیست. اگر کسی آن مبنا را پذیرفت که علاوه بر لعب با رهان که قمار است، یک حرام دیگری داریم که همان لعب به آلات معدّه للقمار باشد ولو این که رهانی در کار نباشد، اگر آن باشد، دیگر عنوان قصدی نیست و اشکال دارد. ولو اینکه قمار هم نگویند، اشکال دارد منتهی ما در این تردید کردیم والا موضوع دیگری می شود.

سؤال: بعد اجتماعی اش چطور می شود یعنی باهم خانه هایشان را وسط می گذارند ولی این طرف که قوی است در دلش می گوید که به او نمی دهم ولی دارند نشستند همه هم دارند نگاه می کنند؟

جواب: اگر واقعاً قصد جدی ندارند آن عنوان های ثانوی است.

سؤال: یکی قصد جدی دارد یکی ندارد؟



جواب: بازهم اشکال ندارد به لحاظ عنوان قمار یا لعب آن طوری اشکال ندارد. اگر نگوییم لعب به آلات خودش حرام است، اشکال ندارد منتهی عنوان ثانوی پیدا می‌کند چون شکل آن شکلی است که دیگران را ترویج ضلال می‌کند و عناوین دیگری است این عنوان نیست ولی عنوانی که ما می‌گوییم بر آن صادق نیست.

نکته: قصد واقعی یا شوخی

دو سه تا نکته اینجا است اگر قصد واقعی ندارد از روی شوخی القا می‌کند ولی قصد جدی نیست این می‌گوییم صادق نیست یا اینکه یکی قصد دارد ولی دیگری ندارد بازهم می‌گوییم صادق نیست، یعنی نمی‌تواند التزام و معاهده محقق شود.

سؤال: ؟

جواب: شما باز می‌روید روی مبنایی که لعب به آلت را می‌گوید گفتیم همین آیات و این‌ها ذاتاً انصراف دارد به این‌که آن بردوباخت دارد، اگر انصراف به آن دارد میسر می‌شود انصاب و ازالام و این‌ها درجایی است که همراه با آن بردوباخت باشد چراکه بردوباخت تعهد و التزام می‌خواهد.

سؤال: ؟

جواب: این سؤال و مطلبی است که له وجه، نه این‌که نباشد، تقریر کامل این سؤال این‌طور است که ممکن است کسی بگوید که شما عنوان قمار که گرفتید، در مفهوم آن این است. ولی وقتی که می‌آید سراغ این ادله ولو بگویید با انصراف مربوط به قمار است، ولی کلمه و واژه قمار در آن نیست و لذا مثلاً اطلاق دارد. تقریر سؤال این است که سؤال خوبی است اما جواب آن این است که ما با توجه به روایات و این‌ها می‌گفتیم «المیسر ما قומר به» یعنی باملاحظه روایات و مفهوم قمار را در میسر مأخوذ می‌دانستیم، وقتی آن مفهوم را بیاوریم دیگر این اطلاق تمام نمی‌شود. اگر آن روایات نبود، ممکن بود بگوییم که این ادله اطلاق دارد، حتی بگوییم انصراف به آنجایی هم دارد که بردوباخت باشد، ولی اینکه تعهد هم در آن باشد شاید بگوییم انصراف نباشد.

جواب این است که انصراف در این حد هم هست این ادعا وجود دارد. این هم نباشد جواب اصلی آن این است که ما میسر را «ما قומר به» گرفتیم طبق روایات آن وقت مفهوم قمار می‌آید اینجا نقشی بازی می‌کند و نمی‌گذارد اینجا



اطلاق منعقد شود. به نظر می‌آید این‌طور بشود جواب داد که این هم یک بحث مهم دیگری است که در مبحث قمار باید به آن توجه کرد.

فرع پنجم: برد و باخت یک‌طرفه

فرع بعدی هم به‌عنوان فرع پنجم مطرح کنیم و آن اینکه قرارداد روی برد و باخت هست؛ ولی یک‌طرفه هست.

توافق دو طرف، بر دو نوع است:

۱- توافق بر برد و باخت طرفینی؛

۲- توافق بر برد و باخت یک‌طرفه.

حالت اول این است که دو نفر زید و امر توافق می‌کنند بر این‌که این بازی را انجام دهند، اگر زید برد خانه امر را می‌گیرد اگر امر برد خانه زید به او داده می‌شود دو نفر خانه یا ماشینشان یا صد میلیون پول را وسط می‌گذارند می‌گویند، اگر او برد خانه شما مال او است اگر شما بردی، بالعکس. این یک حالت است که صورت اولی است که رهان طرفینی است و مصداق واضح قمار است.

نوع دوم برد و باخت یک‌طرفه است لعب است احياناً با آلات هم هست و برد و باخت هم هست قصد هم هست همه چیزهایی که گفتیم در اینجا هستند و معاهده وجود دارد اما معاهده آن‌ها این‌طور است که می‌گویند بازی می‌کنیم اگر من بردم خانه شما برای من، اگر شما بردی خانه من مال شما نمی‌شود، یعنی برد یک‌طرفه هست مثلاً طرف ضعیف است او هم کمی ملاحظه‌اش می‌کند می‌گوید اگر من بردم چیزی از تو نمی‌خواهم ولی اگر تو بردی من خانه‌ام می‌دهم، این همه چیزی که تا به حال گفتیم در آن تمام است یعنی لعب است و با آلات یا غیر آلات بودنش فرقی نمی‌کند و در آن قصد و عقد و التزام هم هست. طرفینی است قصد هم هست همه عناصر برشمرده شده در اینجا جمع است، اما برد و باخت یک‌طرفه است؛

در عقد طرفینی دو طرف باهم توافق کرده‌اند قصد هم دارند، التزام هم هست، باهم بازی می‌کنند و اما اگر یک طرف برد چیزی از دیگری می‌گیرد، ولی طرف دیگر اگر برد از این چیزی نمی‌گیرد. از اول توافق و التزامی که وجود دارد روی این حالت آمده است. این التزام حساب می‌شود ولی یک‌طرفه هم می‌شود. می‌گوییم تعهد این‌طوری است که می‌گویند بازی می‌کنیم اگر او برد این را می‌گیرد. ولی بالعکس نمی‌آید التزام و طرفین به این ملتزم شده‌اند، منتهی



التزام آن‌ها روی یک طرف قصه است نه دو طرف. این صورت دوم این است که التزام در لعب به آلات یا غیر آلات اگر بر بردو باخت یک‌جانبه بود نه دو طرف، -شاید هم متداول هم باشد حالا متداول هم نباشد بالاخره این هست به هر حال فرضش می‌شود-

احتمالات موجود در فرع پنجم

احتمال اول

یک احتمال این است که بگوییم که این هم مثل آن قسم اول که طرفینی است، حرام است برای این‌که ادله‌ای که قمار را تحریم می‌کند شامل اینجا می‌شود بر اساس این‌که لعب مع الرهان اینجا را هم می‌گیرد لعب است، رهان هم هست، گرو هم هست. چطوری؟ این اطلاق دارد و مفهوم عام است و ادله‌ای هم دارد که «إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ» (مائده/۹۰) آن هم اطلاق دارد و به همان عنوان قمار منصرف می‌شود و اینجاها را می‌گیرد. این وجه تحریم آن است که بگوییم چیزی که ما در مفهوم لازم داریم این است که بازی باشد و همواره با التزام به بردو باختی باشد حالا بردو باخت یک‌طرفه باشد یا دوطرفه باشد و به نحوی اگر کسی هم قرار نیست چیزی بگیرد در صورت برنده شدن طرف مقابل، به یک معنا او خانه خود را از دست نمی‌دهد حداقل این است و بالاخره یک نوعی اطلاق دارد، این مفهوم اینجا را می‌گیرد. این یک وجه است که احتمال اول حرمت می‌شود.

احتمال دوم

احتمال دومی وجود دارد که بگوییم مفهوم «اللعب مع الرهان» طرفینی است و شاید هم این کلمه رهان که همان مصدر باب مفاعله هم هست، همراه است یعنی گرو گذاشتن طرفینی است؛ بنابراین حرام نیست.

احتمال سوم

احتمال سوم هم این است که التزام طرفینی است، ولی ما یقامر به طرفینی نیست. ممکن است کسی بگوید رهان وضعاً ظهور دارد یا انصراف به آن جایی دارد که بردو باختی برای طرفین متصور باشد یعنی بردو باخت هر دو برای آن‌ها محتمل باشد و اینجا برای یک طرف باخت محتمل نیست، برای یک طرف هم برد محتمل نیست و این وضعاً یا انصرافاً



ظهور دارد به آن جایی که هر دو در معرض احتمال است یعنی هم برد باشد هم باخت، نه جایی که یک طرف احتمال برد دارد یک طرف احتمال باخت دارد و بالعکس آن دیگر نیست.

احتمال چهارم

احتمال دیگر این است که کسی تفضیل دهد و بگوید برای آن کسی که احتمال برد دارد این حرام است و اما طرفی که این احتمال را ندارد دیگر برای او حرام نیست. این هم یک تفسیری است که وجهی ندارد برای این که اگر این عنوان صدق کند، این عنوان قمار متقوم از باب مفاعله به طرفین است و هر دو مخاطب حرمت قرار می گیرند. اگر هم قصد نکند هیچ کدام حرام نیست که بگوییم برای یکی حرام است برای دیگر حرام نیست. این خیلی بعید است. این چهار احتمالی است که متصور است.

نظر مختار: احتمال اول

به نظر می آید که همان احتمال اول را باید گفت برای این که:

اولاً: در رهان، باب مفاعله و این ها به آن معنا مأخوذ نیست، اگر در جایی کسی چیزی پیش دیگری هم گرو بگذارد می گوید «راهنه»، یعنی طرفین می خواهد ولی نه اینکه حتماً باید چیزی از دست بدهند یا به دست بیاورند، این اولاً که باب مفاعله در اینجا، مفاعله اش همان اندازه که طرفین باهم گفتگو و توافق می کنند، صادق است. بیش از این نمی خواهد؛ که برد و باخت آن هم طرفینی باشد این اولاً؛

گفتیم که رهان انصراف به امور مالی و این ها دارد و این هم از آن نکاتی است که بعداً بحث می کنیم.

این وجه اول است برای این که حرمت و احتمال اول را تقویت کنیم؛

دلیل اول این است که این عنوان صادق است؛

ثانیاً: اگر هم صادق نباشد به احتمال قوی الغاء خصوصیت اینجا تام است، یعنی خیلی فرقی نمی کند از نظر عرفی دو طرف احتمال باخت داشته باشند یا یک طرف احتمال باخت داشته باشد. بالخصوص مثل الخمر و المیسر و این ها که این را می گیرد.

اولاً: می گوییم که قمار و الخمر و المیسر و الانصاب و الازلام این را می گیرد؛



ثانیاً: اگر هم لفظ این را نگیرد تنقیح مناط و شمول ملاک حکم نسبت به اینجا بعید نیست، بعید است این فرض از نظر عرفی با آن فرقی داشته باشد، به همان وجهی که ایشان هم اشاره کردند، یعنی در ارتکاز عقلا این است که وارد یک بازی شدند که کسی بی‌جهت برحسب یک امر غیر عقلایی می‌خواهد مبلغ کلانی را ببرد، این ملاک و ارتکاز عقلایی موجب می‌شود که بشود الغاء خصوصیت کرد و لذا به نظر می‌آید همان احتمال اول درست است و «لا اقل من الاحتیاط الوجوبی» که از این حالت هم پرهیز شود.

بله آن «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» (البقرة/۱۸۸) گفتیم خودش به‌تنهایی تمام نمی‌شود در آنجا تفضیل قائل شدیم و با روایت این تمام می‌شد، ولی اگر کسی به‌تنهایی به آن هم تمسک کند باز همین را می‌گیرد. اگر کسی بگوید «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» به‌طور مطلق یا در بعضی موارد دلالت بر حرمت این عمل می‌کند درست است، اینجا را شامل می‌شود.

و صلی‌الله علی محمد و آله الاطهار